واژه‌آموزی

خودباور به کسی می‌گویند که به توانایی‌های خودش آگاهی و باور داشته باشد.

خودبین به کسی می‌گویند که فقط خودش را می‌بیند و به دیگران و توانایی‌های آنها توجّهی ندارد.

خوددار به کسی می‌گویند که مراقب رفتار خود است و از انجام کارهای ناپسند پرهیز می‌کند.

گوش کن و بگو

با دقّت به داستان گوش کنید و به پرسش‌ها پاسخ دهید.

۱ به نظر شما ماجراهای ابتدای داستان در چه موقعی از سال اتّفاق افتاده است؟

۲ رود چگونه پر آب شد؟

۳ با توجّه به داستان، شخصیت رود و برف را با هم مقایسه کنید.

۴ چرا با مردن دانه‌ها و شکوفه‌ها، بهار هم می‌میرد؟

۵ کدام‌یک از جمله‌های داستان نشان‌دهنده‌ی غرور برف است؟

پاسخ صفحه به صفحه درس فارسی پایه چهارم؛ طراح: سمیرا ابوالقاسمی

۱. زمستان

۲. نور خورشید بر روی برف های روی قله تابید و آن ها را آب کرد و سپس این آب ها از دشت ها و مزرعه ها گذشتند و به رود رسیدند و آن را پر آن کردند.

۳. رود بخشنده و مهربان بود و از آب خود برای آبیاری مزارع و دشت ها استفاده می‌کرد تا گیاهان و دانه‌ها رشد کنند ولی برف بسیار مغرور و متکبر بود و دوست نداشت به دیگران کمک کند و خودش را بالاتر و بهتر از دیگران می‌دانست.

۴. زیرا با آمدن بهار گیاهان رشد می‌کنند و درختان شکوفه می‌زنند و همه جا پر از گل و گیاهان رنگارنگ می‌شود و هنگامی که این اتفاقات نیفتد انگار بهاری وجود ندارد و بهار از بین می‌رود.

۵. هنگامی که برف گفت: من از همه برترم و هنگامی که به رود گفت: تو فامیل من نیستی و من پاکیزه و سفید هستم.